

تحلیل ژئوپلیتیکی آمایش سرزمین در استقرار مدیریت فضایی در ایران به مثابه علل دوام حکومت‌ها و دولت

کیومرث یزدان پناه^۱، معصومه مهدئی^۲

^۱ استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

نویسنده مسئول:

کیومرث یزدان پناه درو

چکیده:

در عصر حاضر یکی از راه‌های مدیریت بهینه در سازماندهی فضای جغرافیا تدوین برنامه آمایشی متناسب با مؤلفه‌های محیطی است. بدین معنا که هر فضای جغرافیایی را به لحاظ ویژگی‌های انسانی و طبیعی بررسی کرده، نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها را شناسایی و به شناخت کامل نسبت به محیط برسیم، سپس به تدوین برنامه آمایشی جهت مدیریت درست و بهینه فضای مورد نظر دست یابیم. در این صورت است که از تمامی پتانسیل‌ها و توان‌های محیطی در جهت رسیدن به توسعه و متعاقب آن امنیت بهره‌برده ایم. بر همین اساس، با توجه به نقش و اهمیتی که آمایش سرزمین در توسعه کشور دارد، یکی از مهم‌ترین ساز و کارهای مدیریتی در دوام و بقای حکومت‌ها و خلق ثبات سرزمینی به شمار می‌آید. با توجه اهمیت موضوع در برنامه آمایش سرزمین ایران، به دلیل طولانی شدن برنامه‌های آمایشی، هنوز در جایگاهی که باید باشد، قرار ندارد. از این رو در مقاله حاضر از بعد ژئوپلیتیکی به موضوع آمایش توسعه و همچنین سوابق کارکردی آن در ایران پرداخته شده است.

کلید واژه: آمایش سرزمین، حکومت‌ها، دوام و بقا، مدیریت بهینه، آمایش سرزمین در ایران

مقدمه:

آمایش که مصدر آمودن یا آماییدن است، در فرهنگ لغات، معانی گوناگونی دارد که آراسته کردن در این رابطه مصداق پیدا می کند. به طور کلی آمایش سرزمین عبارت است از: تنظیم رابطه انسان، سرزمین و فعالیتهای انسان در سرزمین به منظور بهره برداری درخور و پایدار از جمیع امکانات انسانی و فضایی سرزمین در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع در طول زمان است (مخدوم فرخنده، ۱۳۸۰: ۱۶).

اولین تعریفی که از آمایش سرزمین ارائه شد، توسط کلودیوس پتی* در سال ۱۹۵۰ بود که تاکنون از گویاترین و معتبرترین تعاریف این مفهوم علمی به شمار می رود. آمایش سرزمین در کادر جغرافیایی فرانسه در جستجوی بهترین توزیع انسانها، به تبع منابع طبیعی و فعالیتهای اقتصادی در پهنه سرزمین است. این جستجو با یک دغدغه ثابت، مبتنی بر فراهم کردن بهترین شرایط سکونت، کار، بهداشت، تفریحات سالم و لذت از زندگی فرهنگی سالم محقق می شود. هدف اصلی صرفاً یک اقتصاد شکوفا نیست بلکه بیشتر به دنبال زندگی خوب و شکوفایی مردم است (محمودی، ۱۳۸۸: ۱۴۶). جغرافیدانان آمایش سرزمین را بهره برداری از زمین و منابع آن از دیدگاه جغرافیای کاربردی یا برنامه ریزی تعریف نموده اند. در واقع مطالعه آمایش سرزمین نظم نوینی از ساماندهی منابع طبیعی و فعالیت های انسانی را بر پهنه سرزمین مهیا می سازد و به سازماندهی منطقی و معتدل فضای موجود حیاتی برای هرگونه تجمع انسانی می پردازد. در اینجا است که در مطالعات آمایش سرزمین از تکنیک های برنامه ریزی فضایی استفاده می گردد. آمایش سرزمین از نظریه های مختلف از جمله قطب رشد، عدم تمرکز توزیع مکانی فعالیت هابرمی بر دو به اهداف توسعه منطقه ای، شبکه های بهینه خدمات زیر بنایی، طراحی مطلوب سکونت گاههای انسانی، نظام معتدل شهر و روستا و فعالیت های همگن اقتصادی- اجتماعی توجه دارد (زیاری، ۱۳۸۰: ۳۷ و ۳۸).

آمایش سرزمین در ایران برای تنظیم ارتباط بین انسان، فضا و فعالیت های انسان در فضا انجام می شود و لذا تاکید خاصی بر دیدگاه فضایی در برنامه ریزی توسعه و تکامل ملی دارد. همچنین آمایش سرزمین در کشور ما به تبعیت از تحولات اقتصادی و اجتماعی همواره دچار فراز و نشیب هایی بوده است که شناخت این تحولات برای رسیدن به راهکارهای عملی و تنگناها و موانع فراوری آمایش سرزمین بسیار حیاتی است (صنّعی، ۱۳۹۰: ۱۷۳).

از طرف دیگر الگوی نظام حکومتی در ایران تک ساخت و بسیط بوده است و در این الگو قدرت سیاسی به طور کلی در دست شخصیت حقوقی واحدی متمرکز است و در سطح کشور به صورت عمودی و افقی اعمال می شود. کلیه افرادی که زیرلای دولت یکپارچه و بسیط قرار گرفته اند، از یک قدرت سیاسی مرکزی تبعیت می کنند و یک قانون اساسی در سراسر قلمرو این سرزمین حکمرانی می کند (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۲۵۷). در چنین شرایطی نظام آمایشی در ایران سیاسی ترین ساختار ممکن را در نظام برنامه ریزی تجربه کرده است. لذا الگوی حکومتی ایران موجب شده غالب توجه مسئولین متوجه مرکز کشور به ویژه پایتخت باشد که موجب کم توجهی به نواحی پیرامونی و عدم رسیدگی به مطالبات ساکنان سایر نواحی غیر مرکزی شده است. این مساله موجب رشد عدم تعادل فضایی در فضای سرزمینی ایران شده است. اما این بی عدالتی ها مطمئناً پیامدها و عواقبی نیز خواهد داشت.

از جمله نارضایتی ها و اعتراض مردمی که تنشها را ایجاد می کند و برای حکومت مرکزی مساله ساز خواهد شد. اگر به دنبال پیشرفت و توسعه در کشور هستیم باید متوجه این مساله باشیم که توجه صرف به مرکز کشور به ویژه پایتخت زمینه ساز توسعه نخواهد شد. ایران به لحاظ جغرافیایی ویژگیهای متنوع و با اهمیتی دارد که اگر به درستی مدیریت شود، قطعاً زمینه ساز ارتقای جایگاه کشور از پیرامونی به نیمه پیرامونی و مرکز خواهد شد. اما این پیشرفت نیازمند این است که تمام مسئولان دغدغه توسعه را داشته باشند و از هیچ تلاشی فروگذار نکنند. چرا که مناطقی از ایران مورد بی مهری و فراموشی قرار گرفته که هریک به نوعی قابلیت هایی رادار هستند. به طور مثال ۸/۸۹ درصد از جمعیت کشور در ۴۵ درصد از وسعت جغرافیایی ایران سکنا گزیده اند و ۲/۱۰ درصد باقی مانده آن در ۵۵ درصد از پهنه سرزمین زندگی می

کنند، ۸۷ درصد از شاغلین ایران در نیمه غربی - شمالی و ۱۳ درصد مابقی در نیمه شرقی - جنوبی فعالند، ۶/۸۸ درصد از بزرگراه های کشور در نیمه غربی - شمالی و تنها ۴/۱۱ درصد در نیمه شرقی - جنوبی کشیده شده است، برق رسانی ۷/۶۸ درصد در نیمه غربی - شمالی و ۳/۳۱ درصد در نیمه شرقی - جنوبی صورت گرفته است و ... بر این دامنه می توان آمارهای بسیار دیگری افزود که همه نشان از عدم تعادل در توسعه منطقه ای دارد و ضرورت توسعه متوازن و نگاه آمایشی به پهنه سرزمین را صدچندان می کند (یزدان پناه، ۱۳۹۵). این درحالی است که پایتخت نیز علیرغم توسعه فیزیکی از حداقل های آمایشی بهره برده است.

وجود برخی نارضایتی های دائمی از نحوه تخصیص بودجه در سطح کشور و بی عدالتی خواندن نحوه تخصیص آن ناشی از عدم توجه به اهمیت آمایش سرزمین است. در واقع تمام فعالیت های عمرانی و رفاهی بایستی بر اساس آمایش سرزمین انجام گیرد. اقداماتی نظیر احداث جاده، بیمارستان، کارخانجات و... همه بر اساس معیارهای استاندارد، خواهد توانست زمینه هر نوع اعتراض حتی فعالیتهای سیاسی و تبلیغاتی بعضی از گروه های متقاضی شرکت در ساختار قدرت در کشور را به منظور رسیدن به اهداف سیاسی بگیرد. چرا که هر اقدام رفاهی بر مبنای آمایش سرزمین پاسخگویی هر شبه ای در تخصیص منابع خواهد بود. در این شرایط ترکیبی مناسب از رشد جمعیت و تقاضای آینده و چشم انداز آن مبتنی بر برنامه ریزی منطقه ای آمایش سرزمین به نتیجه خواهد رسید (یزدان پناه، ۱۳۹۵).

هدف اساسی از طرح موضوع آمایش سرزمین توزیع عادلانه جغرافیایی فرصت ها در قلمروی سرزمینی است که در صورت سیر منظم آگاهانه و سازنده می تواند یکی از ابزارهای اصلی دوام و بقا و استمرار حکومت ها باشد. بر این اساس نقش و مسئولیت آمایش سرزمین امروزه به گونه ای ترسیم می شود که این مفهوم ژئوپلیتیکی را به خوبی نمایان می سازد. با در نظر گرفتن عوامل ذهنی و عینی آمایش سرزمین در مدیریت سیاسی - فضایی کشور و با توجه به ماهیت ژئوپلیتیکی کشور ایران همانگونه که از عنوان مقاله پیداست درک موضوع و استفاده بهینه و صحیح از فضای موجود می تواند به طرح فرضیه هایی در ارتباط با رابطه آمایش سرزمین و مدیریت سیاسی فضا طرح و نسبت به اثبات اثرگذاری متقابل آن پرداخت.

پیشینه:

- زهرا پیشگاهی فرد، کیومرث یزدان پناه، محمدرضا رضوانی و مصطفی رشیدی در مقاله «تحلیل ژئوپلیتیکی لزوم تغییرات جمعیتی و سیاست گذاری آمایشی در عرصه توزیع جغرافیایی آن در ایران» به تبیین ژئوپلیتیکی لزوم تغییرات افزایشی جمعیت در ایران، شاخص های بهینه سازی این تغییرات و سیاست گذاری برای هدایت آن در قالب برنامه های آمایشی پرداخته اند.
- حسین خنیفر در مقاله درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربردهای در ایران: در این مقاله به ضمن بررسی ابعاد و سابقه جهانی و بین المللی مساله مدیریت آمایش سرزمین به ساقه آن در ایران که به دهه ۳۰ شمسی بازمیگردد، پرداخته و مطالعات گروه ستیران را مورد بازبینی و فعالیت های قبل و بعد از انقلاب اسلامی در این زمینه نیز بررسی شده است.
- حسین پاپلی یزدی در مقاله «عدالت اجتماعی و توسعه - کاربرد فلسفه و ایدئولوژی در آمایش»: مقاله مثالی را از سازماندهی فضای کشاورزی، روستایی، شهری معدنی کشور بر مبنای نظریات سرمایه داری و طرح های مصوب دولت ۱۳۳۲ به بعد نشان میدهد و از جغرافیدانان ایران میخواهد برنامه های فضایی و آمایشی کشور را مورد نقد و بحث قرار دهند تا راهکارهای مناسب برای رعایت عدالت اجتماعی و تعادل منطقه ای پیدا شود.
- محمدرضا حافظ نیا و غلامرضا جلالی فراهانی در مقاله «عدالت فضایی و آمایشی سرزمینی توسعه»: در این مقاله به بررسی مفاهیم نظری - مفهومی و پیوند آمایش، پیشرفت و توسعه پایدار از نظرگاه سرزمینی پرداخته و آنها را با مکانیزم خاص به عنوان یک پروسه عدالت تحقیقی بهم گره زده اند تا سرانجام ترسیم الگوی راهبردی آمایش سرزمینی توسعه در کشورها ارائه شود.

این پیشینه تحقیق از موضوع نشان از اهمیت آن دارد.

جغرافیا و آمایش سرزمین:

رابطه آمایش سرزمین و جغرافیا بنیادهای متفاوتی دارد. بر این اساس می توان جغرافیا را تبیین نوع استقرار و توزیع جمعیت و فعالیت در عرصه سرزمین دانست و آمایش را تنظیم رابطه این عناصر در نظر گرفت. در جغرافیا و آمایش سرزمین سه عنصر اساسی وجود دارد که زمینه های اصلی مطالعه اند و عبارت اند از انسان و فضا و فعالیت. جغرافیا آمایشی ترین علوم و آمایش جغرافیایی ترین نوع برنامه ریزی است. آنچه جغرافیا به عنوان یک علم آنرا توضیح می دهد، آمایش به عنوان مجموعه ای از فنون و هنرها می کوشد آنرا عملی کند. جغرافیا توضیح می دهد و آمایش تغییر. جغرافیا تبیین می کند و آمایش طراحی (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۳: ۴). هدف از تنظیم رابطه بین انسان و فضا در مطالعات آمایشی و فعالیتهای انسان در فضا تحقق توسعه پایدار یا به عبارت دیگر سرزمین آرایی است (حاتمی نژاد، ۱۳۸۹: ۵۰). در آمایش سرزمین از سویی داده های طبیعی مانند توپوگرافی، مورفولوژی، خاک، شرایط آب و هوایی و... فضا را باید شناخت و از دیگر سو داده ها و توان های محیطی، اعم از گیاهی، حیوانی، منابع زیرزمینی، به ویژه منابع تجدید نشدنی محیط را مورد آزمون قرارداد و در کنار آن نیروهای مولد یعنی ساختار نیروی انسانی و بازیگران فضا را که بر مبنای سیاست خاصی در آمایش سرزمین نقش ایفا می کنند به گونه ای بایسته ارزیابی کرد (Bras, 1380: 121). علم جغرافیا اساس کار آمایش است. همانطور که جغرافیا به شناخت روابط انسان و فضا و تعاملات بین آنها می پردازد، آمایش سرزمین نیز در پی اصلاح این روابط و تعاملات بین انسان و فضای جغرافیایی آن است. در واقع آمایش سرزمین یک جنبش جغرافیایی در در جهان مدرن برای اصلاح روابط انسان و فضای جغرافیایی است (رشیدی، ۱۳۹۳: ۲۴۷).

سرزمین، مقوله فضا و قانونمندی های حاکم بر شکل گیریهایی آن، کلیدی ترین نقش را در برنامه ریزی دارد. از اینرو برنامه ریزی آمایش فضای توسعه، فرآیند سازماندهی بهره برداری عقلایی از امکانات، منابع و استعداد های فضای ملی و منطقه ای به منظور پیشرفت متعادل و موزون جامعه و اقدامی هدفمند است که آشفته گی فضایی و عدم تعادل های منطقه و سازماندهی فضای ملی برای برنامه های توسعه را بدون رویارویی با مشکلات فضایی آینده قابل حصول نموده و بهره وری از سرزمین را بهینه می نماید (رضایی، ۱۳۹۳: ۳).

به جهت اینکه هدف علم جغرافیا توسعه پایداری عینی سرزمین آرایی بدون سرزمین آلائی است می توان به ارتباط آمایش سرزمین و جغرافیا پی برد، زیرا اساس هر دو توسعه است اما نه توسعه به هر قیمتی (صنّعی، ۱۳۹۰: ۱۷۱).

موفقیت و مطلوبیت آمایش سرزمین زمانی میسر است که بر پایه های شناخت جغرافیایی فضا تکیه شده باشد. برای نمبنا در آمایش سرزمین از طرفی باید داده های طبیعی مانند توپوگرافی، مورفولوژی، خاک و شرایط آب و هوایی فضا را شناخت و از طرف دیگر داده ها و توانایی های محیطی اعم از گیاهی، حیوانی، منابع زیر زمینی به ویژه منابع تجدید نشدنی محیط را آزمایش کرد و در کنار آن باید نیروهای مولد را ارزیابی کرد. نقش اساسی جغرافیدان معطوف به آزمون سازگاری برنامه های آمایشی با ویژگیهای جغرافیایی فضا عمران پذیر است و در این بستر جغرافیدان تواناییهای محیطی را با وسعت برنامه ریزی ها، میزان سرمایه گذاریها و سطح کاربرد فنون و روشها ارزیابی می کند و سپس قابلیت و کنش فضا و سطح آمایش سرزمین را تا مرز نبود آلائی محیط زیست ناحی های و واحدهای شهری و روستایی تعیین می کند (سرور، ۱۳۸۴: ۲۵ و ۲۶).

رابطه عدالت و آمایش سرزمین:

در علوم جغرافیایی برنامه ریزی اساس جغرافیای کاربردی است که هدف آن ارائه مسیرهای منطقی در بهره گیری از منابع طبیعی و انسانی، جلوگیری از اتلاف منابع طبیعی، ممانعت از به کارگیری غیر علمی این منابع، استفاده بهینه از آنها و توسعه مطلوب جامعه انسانی است.

در این میان مدیریت فضا می‌کوشد بابت بهره‌گیری از ابزارهای مختلف در سیرتداوم تعادل یا ایجاد تعادل منطقه‌ای و محلی در نقش بالفعل درآورنده ظرفیت‌ها و یا ظرفیت بخشی به نواحی ظاهر شود (کاویانی، ۱۳۸۵: ۲۷۹).

بی‌گمان با توجه به عوامل جغرافیایی نواحی گوناگون با توانهای مختلف شکل می‌گیرد. هر چند بخشی از عوامل موثر در تفاوت و نابرابری منطقه‌ای بر آیند توانهای محیطی و اکولوژیک در فضا ست اما بخش عمده این نابرابری برآمده از کارکرد نظام سیاسی و برنامه ریز کشور است (کاویانی، ۱۳۸۵: ۲۸۰).

اگر در سازماندهی مناطق کشوری، تعادل و عدالت رعایت نشود، تضاد طبقاتی، تضاد درآمدی و تضاد منافع کشور را به بحرانهای سیاسی و تنش‌های امنیتی - اجتماعی در حد تجزیه ممکن دچار می‌کند. اگر فضای جغرافیایی متعادل ایجاد نشود، باید منتظر مطالبات روز افزون مردمی و تنشهای اجتماعی و ناتوانی دولت در حل مسائل بود. یکی از عمده ترین وظایف جغرافیدانان مشارکت در ساخت فضای جغرافیایی، عدالت اجتماعی و عدالت منطقه‌ای است (حاتمی نژاد، ۱۳۸۹: ۴۷).

آمایش سرزمین یک برنامه جغرافیایی است که هدف آن ایجاد رفاه برای مردم یک سرزمین و توسعه مناطق جغرافیایی آن است که با انطباق برنامه ریزی‌ها بتوان اکولوژیک و اقتضائات ژئوپلیتیکی در فضای سرزمینی منجر به توسعه پایدار، تامین منافع ملی و رفع تهدیدات ژئوپلیتیکی ناشی از کدهای ژئوپلیتیکی منفی و کنار گذاشتن برنامه ریزی غیر منطبق بر سرزمین و در نتیجه ایجاد امنیت پایدار در یک کشور می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۳: ۲۴۷).

بانگاه به اهداف کلان آمایش سرزمین، از جمله تمرکززدایی و رفاه عمومی و ... راهبردهای توسعه در کشور را با وجود تمرکزگرایی، مکانیابی نامناسب مکانها، پایین بودن رفاه مردم از آشفته‌گی‌های فضایی و امنیتی برخوردار است و این آشفته‌گی‌ها عامل اصلی ایجاد نابرابریهای اجتماعی و فقر و محرومیت در کشور بوده و در نتیجه شکل‌گیری بازتاب‌های امنیتی و نارضایتی آحاد مردم زمینه ساز بحرانهای امنیتی خواهد شد (ناصری پور، ۱۳۹۳: ۱۲).

تحقق آمایش سرزمین بیشتر از اینکه مستلزم داشتن یک طرح فنی باشد، مستلزم یک برنامه مدیریتی مبتنی بر اصل توازن‌های اقتصادی و فضایی می‌باشد، در این صورت است که آمایش سرزمین می‌تواند تحقق بخش عدالت در فضا و عدالت اجتماعی باشد (مومنی، ۱۳۹۲: ۴۵).

آمایش سرزمین بر توزیع عادلانه امکانات با توجه به پراکندگی جمعیت و استعدادها و قابلیت‌های محلی تاکید دارد. هدف اصلی از اجرای اصول آمایش سرزمین توسعه فراگیر اقتصادی و بهره‌برداری بهینه از امکانات موجود است (اشرفی، ۱۳۸۹: ۵۲).

مناطق فقیر در مباحث آمایش سرزمین عمدتاً فاقد نیروی انسانی کافی، برنامه ریزی و مدیریت کارا، وسایل ارتباطی و زیرساختهای مناسب هستند. این امر مناطق مذکور را در موقعیتی قرار می‌دهد که قادر به رقابت با مناطق نسبتاً مرفه نباشند. به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند این مشکل را حل کند هماهنگ ساختن سطح مدیریت توسعه اجتماعی این مناطق با دیگر مناطق است (خنجر، ۱۳۸۹: ۱۵).

میزان وابستگی حکومت‌های معاصر در ایران به نظام برنامه ریزی مبتنی بر آمایش سرزمین:

الف) قبل از انقلاب:

توجه به برنامه ریزی منطقه‌ای در کشور ما پس از جنگ جهانی دوم و با هدف ترمیم خرابی‌های ناشی از جنگ آغاز شد. اولین گام تاسیس شورای عالی اقتصاد در سال ۱۳۱۶ بود. این شورا کمیسیون ویژه‌ای برای اصلاح وضع کشاورزی و مهاجرت مطرح و تنظیم کرد. اما اقدامات این

شورا از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۳ مسکوت گذارده شد. در سال ۱۳۲۵ شورای عالی اقتصاد با طرح و پیشنهاد بالا بردن سطح زندگی و تعدیل در توزیع ثروت دوباره فعالیت خود را آغاز کرد (کاظمی، ۱۳۸۶: ۷۳).

دولت در اوایل سال ۱۳۲۵ برای مقابله با بحران های اقتصادی و اجتماعی ناشی از فروپاشی بنیان های اقتصادی مبادرت به تاسیس بانک صنعتی و معدن برای بهبود کارخانجات دولتی و تشکیل هیئتی به نام کمیسیون برنامه برای تهیه یک برنامه ۷ ساله کرد. پیش نویس برنامه مذکور در تابستان سال ۱۳۲۵ به وسیله کمیسیون برنامه تهیه شد و در دولت قوام به تصویب رسید و در بهمن سال ۱۳۲۷ مجلس شورای ملی آن را تصویب کرد (لطیفی، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

این برنامه مجموعه ای از پروژه ها و طرح های ارزیابی شده در زمینه کشاورزی، صنایع و اکتشاف و بهره برداری معادن، اصلاح امور بهداشت عمومی و آموزش و پرورش بود. برنامه دوم عمرانی برای دوره ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۱ تهیه شد. در این برنامه نیز اهداف تمرکززدایی و ایجاد تعادل مد نظر قرار گرفت و در عمل سیاست توسعه و عمران ناحیه ای بر سرمایه گذاری متمرکز به منظور به وجود آوردن قطب های توسعه و عمران در نواحی مستعد و محروم دنبال شد (کاظمی، ۱۳۸۶: ۷۳).

برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۶ - ۱۳۴۲) بر پایه ارزیابی برنامه دوم و براساس اصول فنی جدید تهیه شد. از ویژگی های برنامه سوم مشخص بودن اهداف، جامعیت برنامه در پیش بینی سرمایه گذاری بخش خصوصی و عمومی و هماهنگ سازی سیاست های مختلف مملکتی با سیاست های عمرانی بود (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

برنامه عمرانی چهارم (۱۳۵۱ - ۱۳۴۷) در شرایطی متفاوت تر از برنامه های گذشته به اجرا درآمد. از مهم ترین اهداف این برنامه می توان به تسریع در رشد اقتصادی و افزایش درآمد، توسعه صنعت، افزایش بازده سرمایه، افزایش فعالیت های آبادانی و بهسازی به خصوص در مناطق روستایی، کاهش وابستگی به خارج، تنوع بخشی به کالاهای صادراتی، بهبود خدمات اداری و موارد مشابه بود.

برنامه عمرانی پنجم، در ۱۵ اسفند سال ۱۳۵۱ به تصویب رسید. از مهم ترین هدف های کلی این برنامه می توان به ارتقا بیشتر سطح دانش و فرهنگ و بهداشت و رفاه جامعه، توزیع عادلانه درآمد، حفظ و استمرار، رشد سریع اقتصادی، تامین اشتغال مولد، ایجاد تعادل بیشتر بین مناطق مختلف کشور از نظر برخورداری از امکانات اقتصادی، حفاظت، احیا و بهبود محیط زیست، افزایش سهم ایران در تجارت بین الملل اشاره کرد (لطیفی، ۱۳۸۸: ۱۲۳ و ۱۲۴).

برنامه ششم در حالی آغاز شد که طرح آمایش سرزمین تهیه شده بود و براساس تجارب قبلی، نیازها و ضرورت های توسعه کشور در چارچوب نظامی غیرمتمرکز و پیوسته مورد توجه بود و سه سطح ملی، منطقه ای و محلی تعریف شده بود. به طور کلی میتوان گفت از آغاز برنامه ریزی منطقه ای تا انقلاب اسلامی برنامه ریزی از سطح ریزی عمران ناحیه ای به سوی برنامه ریزی جامع منطقه ای تحول یافت (کاظمی، ۱۳۸۶: ۷۶).

رژیم شاه طی سال های ۴۲ تا ۵۷ به اجرای یک برنامه دگرگون سازی سریع اقتصادی و اجتماعی دست زد. طی این دوره هم برنامه مزبور و هم شیوه های اجرای آن پیامدهای اجتماعی و اقتصادی متناقضی داشت. به این معنا که از یک سو به تقویت برخی از زمینه ها، عوامل و فرآیندهای همبستگی و ادغام اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کمک کرد و از سوی دیگر موجبات تشدید برخی شکاف ها و گسست های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را فراهم آورد. این دوره با جا به جایی های وسیع اجتماعی و تشدید شکاف های طبقاتی به ویژه در شهرها بود. مهاجرت وسیع روستاییان به شهرها، تسلط بیش از پیش دولت بر منابع و ارزش های اقتصادی و توزیع نابرابر این منابع و ارزش ها در سطح جامعه به تشدید شکاف های طبقاتی و بروز تعارضات طبقاتی انجامید، به ویژه در شهرهای بزرگ این شکاف ها آشکارتر بود (داوودی، ۲۲۸: ۱۳۸۱).

(ب) بعد از انقلاب:

- بحران های ژئوپلیتیکی دهه اول انقلاب:

- ۱- بی ثباتی داخلی ناشی از خلا قدرت مرکزی و دولت موقت
 - ۲- بحران های مرزی و شورش های گروه های ناسازگار مثل مجاهدین خلق (منافقین) کردستان
 - ۳- جنگ تحمیلی
- بررسی ضعف و معایب برنامه های توسعه با استدلال های ژئوپلیتیکی از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۷۲

تحولات برنامه ریزی دوران پس از انقلاب اسلامی را به تبعیت از تحولات انقلاب اسلامی و بروز جنگ تحمیلی میتوان به دو دوره ۶۷-۵۷ و ۶۸ به بعد طبقه بندی کرد. در دهه اول نظام جمهوری اسلامی ایران با مسائل شکل گیری انقلاب، فرار سرمایه، مهاجرت نیروی انسانی، ملی کردن بسیاری از صنایع و بانک ها و به دنبال آن بروز جنگ ۸ ساله و به طور کلی فضای انقلابی و جو بازنگری در برنامه های توسعه قبل از انقلاب مواجه بود و در عمل طی سال های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشور فاقد برنامه مشخص بود (حسین خان قندهاری، ۱۳۸۸: ۱۱).

برنامه توسعه پنج ساله اول پس از انقلاب (۱۳۶۶-۱۳۶۲) در سال ۱۳۶۲ به مجلس شورای اسلامی ارائه شد. اما به دلیل شرایط جنگ تحمیلی این برنامه در مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسید. برنامه مزبور مجدداً در سال ۱۳۶۳ به مجلس ارائه شد ولی مجدداً نیز با استقبال مواجه نشد. از جمله دلایل عدم تصویب این برنامه میتوان به عدم اطمینان و بدبینی مسئولان و دست اندرکاران نسبت به امور کارشناسی و کارشناسان، عدم وجود فرهنگ برنامه ریزی در بین کارگزاران، عدم وجود منابع قابل اتکا برای تامین منابع هزینه های برنامه ریزی، مصارف سنگین ناشی از جنگ تحمیلی، نارسایی آمار و ارقام، عدم هماهنگی بین بخش ها و در نهایت فقدان راهبرد شفاف و روشن اشاره کرد (لطیفی، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

پس از جنگ تحمیلی و اعلام آتش بس در سال ۱۳۶۷، سیاست های اقتصادی کشور، به سرعت دگرگون شد. منابع عظیمی که از جنگ آزاد شد، امکان بازسازی تاسیسات نفتی، افزایش صادرات و رونق مجدد صنایع را فراهم کرد. در این شرایط برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ آغاز گردید (قدیری معصوم، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۸-۱۳۷۴) در شرایطی متفاوت تر از برنامه اول توسعه به اجرا درآمد. (حسین خان قندهاری، ۱۳۸۸: ۱۱). بازتاب سیاست های آزادسازی اقتصادی، تورم شدید ناشی از فشار تقاضا و افزایش شدید نقدینگی همراه با افزایش قیمت ارز موجب شد که عکس العمل های اجتماعی در قبال این برنامه ها بروز نماید و لذا در یکی دو ساله اول اجرای این برنامه، تغییراتی در جهت گیری ها و سیاست های اعلام شده، مشاهده گردید (قدیری معصوم، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) در شرایطی متفاوت تر از برنامه های گذشته و به تبعیت از دیدگاه ها و جهت گیری های اساسی مدیریت کشور در عرصه های اجتماعی و اقتصادی و نیز تجارب بدست آمده از برنامه های گذشته تدوین شد. در ضمن در این برنامه برنامه های اول و دوم مورد ارزیابی قرار گرفت. با بهبود درآمدهای نفتی و کاهش تکانه های ناشی از کاهش قیمت های بین المللی نفت تا حدودی شرایط نسبت به گذشته بهبود یافت و فضای مطلوب تری را فراروی برنامه ریزان کشور قرار داد (پوراصغر سنگاچین، ۱۳۸۷: ۷).

برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، در یازدهم شهریور سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس رسید و پس از تایید مجمع تشخیص مصلحت نظام و موافقت مقام معظم رهبری لازم الاجرا گردید. روی هم رفته برنامه چهارم توسعه در

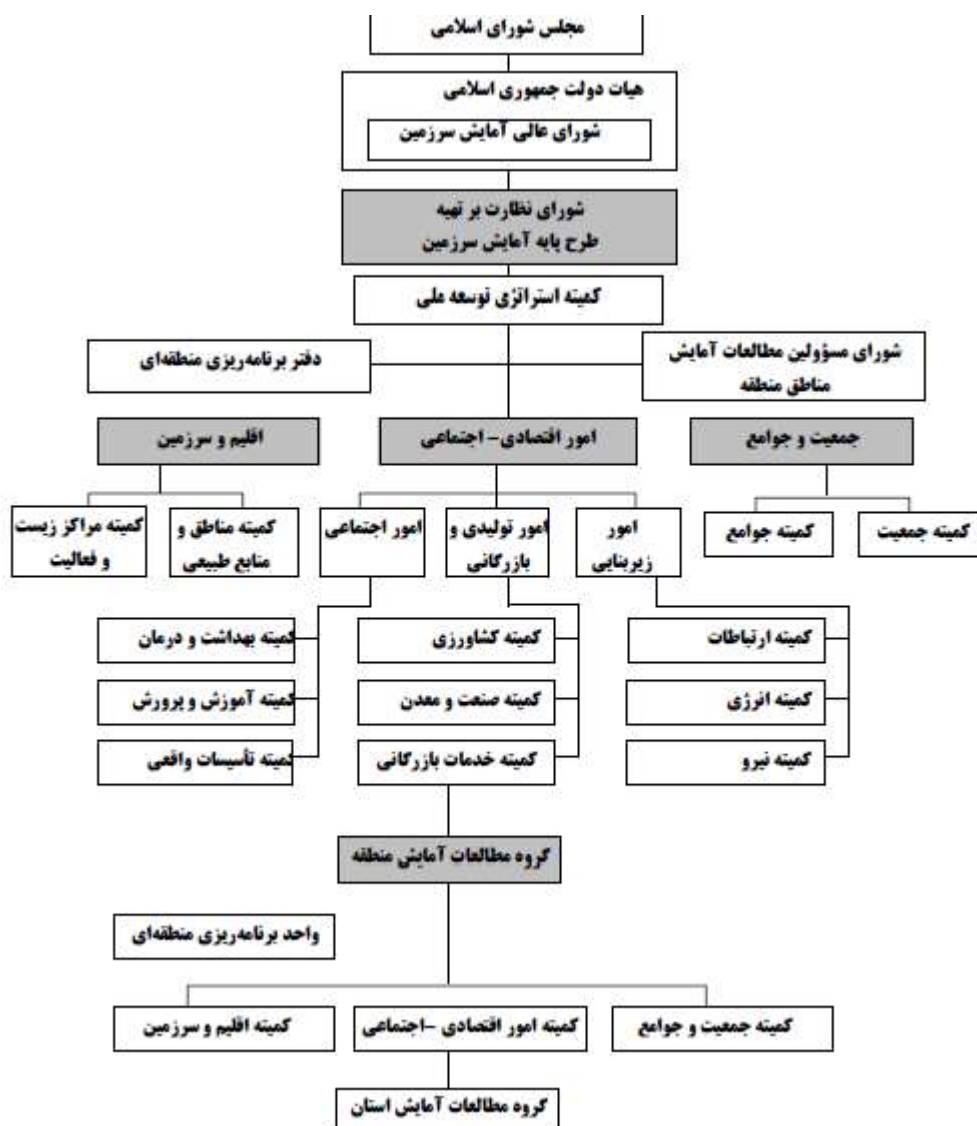
تداوم جامع نگری برنامه سوم، مواردی را در مرکز توجه قرار می دهد و ترکیبی از اهداف توسعه ملی را ارائه میکند که با توجه به شاخص های شناخته شده رایج، معطوف به توسعه همه جانبه است (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۳۹ و ۴۰).

به طور کلی میتوان گفت: شاخص های توسعه در اکثر مناطق شهری و روستایی استان های کشور در این سالها افزایش یافته اند، ولی توزیع آن در بین استان ها ناعادلانه بوده است. این امر موجب افزایش شکاف بین استان های توسعه یافته تر و استان های کمتر توسعه یافته شده، به گونه ای که روند توسعه متعادل و همگن در کشور را مختل نموده است. همچنین فاصله توسعه یافتگی در سطح مناطق شهری و روستایی هر استان نیز نابرابر بوده و توسعه مناطق شهری بر توسعه مناطق روستایی اولویت داده شده اند (زیاری، ۱۳۸۹: ۲۰۱).

دوره	بازه زمانی	فعالیت های آمایش سرزمین	موانع
دوره اول	اوایل دهه ۱۳۴۰ تا اوایل دهه ۱۳۵۰	شکل گیری مفهوم آمایش سرزمین	نگرش حاکمیت وقت
دوره دوم	۱۳۵۴ - ۱۳۵۶	مطالعات طرح جامع ستیران	وقوع انقلاب
دوره سوم	۱۳۶۲ - ۱۳۶۸	مطالعات طرح آمایش سرزمین اسلامی ایران	جنگ هشت ساله
دوره چهارم	۱۳۶۸ - ۱۳۷۶	رکود نسبی	مشکلات سازندگی پس از جنگ
دوره پنجم	۱۳۷۶ - ۱۳۸۴	مطالعات نظریه پایه توسعه ملی	شتاب زدگی و فراهم نبودن شرایط
دوره ششم	۱۳۸۴ تاکنون	رکود دوباره	نگرش دولت فعلی

دوره بندی فعالیت های آمایش سرزمین در ایران و موانع فراروی آن

(شریف زادگان و رضوی دهکردی، ۱۳۸۹: ۹۰)



نظام تسهیلاتی جهت تهیه طرح پایه آمایش سرزمین (خنفر، ۱۳۸۹: ۲۲).

مقایسه تطبیقی نقش آمایش سرزمین در ایجاد ثبات سرزمینی و حاکمیتی در ژاپن، فرانسه، هلند و آلمان:

گفته میشود فرانسه یکی از معدود کشورهایی است که بیش از سایرین برای حل مشکلات اقتصادی مانند تعدیل تمرکز و توزیع فضای بهینه فعالیت ها متناسب با قابلیت نواحی کوشیده و برنامه ریزی آمایش سرزمین یکی از ترتیبات مذکور است (سرور، ۱۳۸۴: ۲۲).

از فردای آزادی فرانسه در ۱۹۴۵ مباحث و گفتمان های زیادی در کمیساریای طرح و برنامه به وسیله برنامه ریزان و متفکران برجسته ای چون رانول دوتی، اوژن کلودیوس و فرانسوا گراویه مطرح شد که در جمع بندی پایانی، ضرورت و انگیزه بازسازی کشور، متعادل سازی توزیع مناسب امکانات، خدمات و تأسیسات زیربنایی، توسعه زیرساخت های ارتباطی، صنعتی و کشاورزی مدرن در پهنه سرزمین به طور برجسته ای توجیح و تشریح میشود (محمودی، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

تفکر آمایش سرزمین در فرانسه در ارتباط با تحلیل کمی از عدم تعادل در توزیع فضایی جمعیت، فعالیت و خدمات بعد از جنگ دوم جهانی، همزمان با پیدایش تفکر برنامه ریزی برای بازسازی کشور بوجود آمد. کتاب گراویه به نام پاریس و بیابان فرانسه درمورد وزنه جمعیتی و صنعتی قطب پاریس و نابرابری های جغرافیایی مترتب بر آن در سال ۱۹۴۷م. تاثیر مهمی در ایجاد آمایش سرزمین و تعادل منطقه ای فعالیت ها بجای گذاشت. آمایش سرزمین در فرانسه تا اصلاحات اخیر، همیشه امر ملی، حتی اروپایی و جهانی بوده است و مقامات محلی در آن نقشی نداشتند. اما قانون سال ۱۹۸۲ م. و ۱۹۸۳م. در این زمینه اختیارات زیادی به مناطق و مقامات محلی داد(زیاری، ۱۳۸۰:۳۹).

روش اصلی مطالعات آمایش سرزمین در فرانسه، روش آینده نگری یا پرسپکتیو است. آمایش سرزمین در فرانسه توجه خاصی به نواحی بحرانی و تمرکز صنعتی داشته است. در این میان ۳۰ ناحیه بحرانی دارای فعالیت صنعتی رو به افول تشخیص داده شده است. باید توجه داشت سیاست صنعتی فرانسه همواره ایجاد سازگاری میان تولیدات صنعتی با تقاضای جهانی است(زیاری، ۱۳۸۰:۴۱). از نظر تقسیمات کشوری فرانسه دارای ۲۲ منطقه، ۹۶ دپارتمان (شهرستان) و ۳۶۵۵۳ کمون (بخش) می باشد(لطیفی، ۱۳۹۱:۴۷).

مشکل جدی فراروی کشور آلمان در اجرای سیاست تعادل های منطقه ای، تفاوت بسیار آشکار سطح و مقیاس توسعه دو بخش غربی و شرقی آلمان قبل از اتحادشان بود که این مساله در طول سال های دهه ۹۰ و حتی دهه نخست قرن ۲۱ نیز پابرجا بود. در کشور هلند کمبود زمین و تهدید ازدحام جمعیت از موانع پیش روی آمایش سرزمین در این کشور است. اما علاوه بر کشورهای غربی جوامع شرقی از جمله کشورهای هند، چین و ژاپن که از پیشروان اجرای طرح های آمایش سرزمین در نیم کره شرقی هستند، با چالش هایی مواجه بوده و هستند. ساختار سیاسی متمرکز و بسیط دو کشور هند و چین یکی از این چالش هاست که برای تعدیل در این شرایط و واگذاری اختیارات بیشتر به نهادهای محلی، سازکار پیچیده و بوروکراتیکی طراحی شده است(سلطانی، ۱۳۹۲:۶۷).

جایگاه تطبیقی وضع موجود و قابلیت سنجی

باوجود تلاش های نظری متعددی که اغلب به صورت پاره پاره و مقطعی انجام شده است، یک روند و سیر منطقی، زنجیره ای، یکپارچه و جامع در هیچ یک از طرح ها و برنامه ها دیده نمیشود. هر دولتی که روی کار آمده یکسری برنامه تدوین کرده که به دلیل عدم حمایت و پشتیبانی، تدارکات و ایجاد زیرساخت های تشکیلاتی و مدیریت صحیح و تامین منابع لازم، کمتر به موفقیت چشمگیری نایل شده اند(محمودی، ۱۳۸۸:۱۷۸).

متأسفانه مشکل برنامه های آمایشی در ایران بخش اجرایی آن است، زیرا این برنامه ها ضمانت اجرایی ندارند و درواقع قانونی که پشتوانه آنها باشد وجود ندارد. منابع بودجه ای مشخص نیست، درواقع طرح آمایش در کشور ما اغلب توصیه ای است. در ایران به مسائل ساحلی توجه خاصی نشده است و برنامه ریزی های آمایشی برای بخش های ساحلی صورت نگرفته است در صورتی که توجه به مسائل ساحلی میتواند عامل شتاب دهنده توسعه در کشورمان باشد. سازمان برنامه و بودجه برنامه های آمایشی را تدوین می کند اما در بخش اجرایی هماهنگی بین بخش های اجرایی و وزارتخانه ها وجود ندارد(قاضی، ۱۳۹۳:۳۹).

صالحی و پوراصغر در مقاله ای (۱۳۸۸:۱۷۸-۱۷۲) مهم ترین موانع فراروی آمایش سرزمین در کشور را شرایط طبیعی کشور، قوانین و مقررات، فشارهای سیاسی جهت اجرای طرح های فاقد توجیهات اقتصادی و فنی، فقدان مدل مناسب برای آمایش سرزمین در ایران، نبود تعریف مناسب از منطقه در کشور، موقعیت قرارگیری ایران در جغرافیای خاورمیانه و تاثیرات متغیرهای برون زا و نبود منظومه ملی اطلاعات مکانی برای به اشتراک گذاشتن داده های مکان دار می دانند(سلطانی، ۱۳۹۲:۶۷و۶۸).

به طور کلی برنامه های آمایش سرزمین در کشور ما با موفقیت رو به رو نشده است و علل اصلی عدم دستیابی طرح های آمایشی به اهداف مورد نظر و ادامه روندهای نامطلوب در سازماندهی فضا در سه دهه اخیر را میتوان در سه گروه عوامل زیر خلاصه کرد:

- عدم وجود تفکر منسجم و نهادینه برای مدیریت سرزمین در سطوح مدیریتی کشور؛
- عدم وجود طرح و برنامه مصوب و با پشتوانه های قانونی لازم برای سازماندهی فضا؛
- عدم وجود نهاد قانونی مشخص و مسئول برای مدیریت سرزمین و پی گیری و نظارت بر اجرای طرح های آمایشی (لطیفی، ۱۳۸۸: ۱۴۵ و ۱۴۶).

جایگاه تطبیقی امنیت ملی، ثبات ملی و آمایش سرزمین

هر کشوری برای نیل به توسعه پایدار ملی و ایمن مقابله با چالش های امنیت ملی خود نیازمند به برنامه ریزی راهبردی در زمینه آمایش سرزمین و دفاعی است. کشور ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی و ماهیت راهبردی آن نیازمند داشتن طرح جامع آمایش دفاعی است (حشمتی جدید، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

سازماندهی فضایی کشور به منظور بهره وری مطلوب از مزیت های منطقه در راستای تامین منافع ملی در چارچوب توسعه ایمن و توسعه توانمندی های دفاع ملی کشور صورت میپذیرد. آمایش کشور با توجه به مرز با عراق، ترکیه و آذربایجان و با استان های کردستان، آذربایجان شرقی و زنجان از امنیت بالایی برخوردار است. بنابراین ارائه آمایش سرزمین باعث تقویت و قابلیت دفاع همه جانبه و در نتیجه ایجاد توسعه توانمندی های دفاع ملی را برای منطقه و کشور فراهم مینماید (جلالی، ۱۳۹۱: ۲۳۴).

از نظر ساختار فضایی، مناطق مرزی علاوه بر ویژگی دوری از مرکز، دارای ویژگی های کالبدی خاص مناطق مرزی می باشند که در مجموع باعث تشدید گسستگی فضایی و در نتیجه توسعه نیافتگی آن ها میشود.

مثلاً علیرغم موقعیت ممتاز جغرافیایی سواحل جنوبی کشور به ویژه سواحل دریای عمان، میزان سرمایه گذاریهای انجام شده از جنبه های خدماتی، زیربنایی و صنعتی در این منطقه بسیار نازل بوده و در نتیجه این منطقه از کمترین مناطق کشور از نظر جمعیت و فاقد نقطه جمعیتی مهم است. این مسأله گویای عدم توسعه شبکه زیربنایی به سمت نقطه های مختلف سرزمین است که در کوتاه مدت مزیت های اقتصادی و در دراز مدت قابلیت های «امنیتی» سرزمین را دچار بحران و اختلال می سازد. لذا ضرورت و لزوم توجه به آمایش سرزمین برای حفظ و بقای کشور اجتناب ناپذیر است (یزدانیپناه، ۱۳۹۵).

چالش های ژئوپلیتیکی برنامه ریزی فضایی و آمایش سرزمین در ایران:

۱- رابطه توسعه با میزان رضایت ملی

یکی از عناصر دولت، جمعیت است که در چارچوب کلی سرزمین مستقر هستند و آحاد آن به عنوان افراد ملت، ویژگی های اقامت، بومی بودن و تابعیت کشور را دارا هستند (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۷). اگر ملت نباشد حکومت بی معنا است. در نتیجه یکی از وظایف حکومت ها رسیدگی به مطالبات ملت و توسعه یکسان در تمام سرزمین است. فضای جغرافیایی ایران به رغم تلاش های زیاد به دور از عدالت فضایی است و ساختار مرکز - پیرامون، الگوی غالب روابط فضایی است (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۱۳۲). ایران به یک شکل و به صورت متوازن به توسعه نرسیده است. این مسأله از عوامل متعددی ناشی میشود که از بین آنها می توان به ساختار توپوگرافیک ایران، نوع سیستم و نظام سیاسی اشاره کرد. در نتیجه این علل و عوامل شاهد عدم توسعه متوازن در بین استان های کشور هستیم. عدم توسعه متوازن در کشور با رضایت ملی ارتباط دارد. بدیهی

است زمانی که توسعه در کشور به صورت یکسان و برابر صورت نگیرد به معنای کم توجهی به سایر مناطق به ویژه مناطق پیرامونی است. همین مساله اعتراضات مردمی را برانگیخته و باعث کاهش محبوبیت حکومت در نزد مردم و در مناطق مستعد موجب واگرایی مردم و گرایش آنها به کشورهای پیرامون ایران شده و موجب خدشه بر وحدت ملی کشور می شود.

۲- رابطه آمایش با حس ثبات و امنیت ملی

امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می دهد از تهدیدهای بالقوه و بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تامین وحدت و مودت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد (مهری، ۱۳۸۱: ۷۹).

امروزه توسعه بنیاد امنیت است. توسعه ملی و ناحیه ای براساس عناصر و توان های محیطی که بتواند در تامین خرسندی باشندگان سطوح ملی و ناحیه ای مقبول افتد، جایگاه ویژه ای در مطالعات نوین امنیتی دارد. توجه به مولفه های جغرافیایی و زیست محیطی در گستره ملی و بین المللی اهمیت فزاینده ای یافته است (کاویانی، ۱۳۸۵: ۲۸۸). امنیت ملی فرآیندی چند بعدی است: سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی (مهری، ۱۳۸۱: ۸۹).

همانطور که پیشتر گفته شد، آمایش سرزمین یعنی توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و توزیع فعالیت های اقتصادی و امکانات متناسب با قابلیت ها و ظرفیت های محیطی. وقتی برنامه آمایشی به درستی تنظیم شود هر منطقه نیز به توسعه متوازن دست پیدا خواهد کرد. توسعه نیز عامل ایجاد امنیت و عقب ماندگی عامل ایجاد ناامنی است. چراکه در بسیاری از کشورهای جهان سومی و عقب مانده شاهد ناامنی و هرج و مرج در آن کشور هستیم. میان آنچه گفته شد میتوان اینگونه ارتباط برقرار کرد که تدوین و اجرای برنامه آمایشی موفق موجب توسعه متوازن و توسعه موجب امنیت ملی میشود.

نتیجه گیری:

با نظری اجمالی به برنامه‌های توسعه در کشور ایران می‌توان دریافت که به ابعاد جغرافیایی برنامه‌ها کم توجهی شده است. شاید یک دلیل موجه آن، محتوای جغرافیایی برنامه‌های توسعه در ایران بوده است که در قالب برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و حتی میان مدت نمی‌گنجد و تحقیقات دامنه‌داری را در قالب برنامه‌ریزی‌های بلندمدت طلب می‌کند. در بخش اهداف بلندمدت آمایش که علاوه بر رعایت ساختار جغرافیایی کشور، به جوامع منطقه‌ای و فرهنگ‌های بومی و پراکندگی‌های آن‌ها در سرزمین ایران و هم چنین به زبان، دین و قومیت مناطق مختلف پرداخته می‌شود، چنان تحقیقات و برنامه‌هایی ضروری خواهند بود. روشن است که این موضوع در صورت نادیده گرفتن بقای حکومت‌ها را در ابعاد مختلف تحت تاثیر قرار می‌دهد. زیرا نگرش ژئوپلیتیکی به آکایش سرزمین در ایران فعلی کمک می‌کند تا استان‌های مختلف کشور از نظر توسعه یافتگی به برابری موضوعی برسند و شکاف میان آن‌ها کاهش یابد. مسأله مهم دیگر مد نظر قرار دادن تجربیات گذشته است که در مبانی نظری مقاله بدان اشاره شد. زیرا روند گذشته در علل عقب افتادگی‌های پیوسته نقش بسزایی داشته است. رویکرد حاکم بر نظام برنامه‌ریزی در کشور طی پنجاه سال گذشته بوده است. از سال ۱۳۲۷ تاکنون عملاً هشت برنامه عمرانی میان مدت را به انجام رسیده است و اکنون در پایان برنامه نهم (برنامه پنجم پس از انقلاب به سر می‌بریم. در تمامی این برنامه‌ها دیدگاه‌ها و تصمیم‌گیری‌های متمرکز حاکم بوده و از الگوی توسعه مرکز - پیرامون پیروی شده است که تداوم این روند بقای حکومت را با موانع و چالش‌های اساسی مواجه می‌کند.

منابع:

- اشرفی، محمود، (۱۳۸۹)، آمایش سرزمین و افق مدیران (ضرورت چیرگی نگرش آمایشی در تدوین برنامه راهبردی بخش ها)، توسعه مدیریت، شماره ۷۸، تیر
- پوراصغر سنگاچین، فرزاد، (۱۳۸۷)، مروری بر تحولات آمایش سرزمین در ایران، برنامه، شماره ۲۸۹، آبان
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ یزدان پناه، کیومرث؛ رضوانی، محمدرضا؛ رشیدی، مصطفی؛ (۱۳۹۳)، آسیب شناسی ژئوپلیتیکی برنامه ریزی در فضای سرزمینی ایران، نگرش های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۲۳، تابستان
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ یزدان پناه، کیومرث؛ رضوانی، محمدرضا؛ رشیدی، مصطفی؛ (۱۳۹۳)، تحلیل ژئوپلیتیکی لزوم تغییرات جمعیتی و سیاست گذاری امایش در عرصه توزیع جغرافیایی آن در ایران، آمایش سرزمین، بهار و تابستان، شماره ۱۰
- حاتمی نژاد، حسین؛ حسینی، سیدمحمد؛ حسینی، سید علی؛ (۱۳۸۹)، اهمیت و ارزش علم، جایگاه و نقش علم جغرافیا در سازماندهی فضای سرزمینی، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۹۲، پاییز
- جلالی، غلامرضا (۱۳۹۱)، نقش آمایش سرزمین در توسعه توانمندی های دفاع ملی، دانش راهبردی، زمستان، شماره ۹
- حسین خان قندهاری، علیرضا، (۱۳۸۸)، آمایش سرزمین - گذشته، حال، آینده، برنامه، شماره ۳۴
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، سمت
- حافظ نیا، محمدرضا و قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۳)، بی عدالتی فضایی و مخاطرات انسانی (مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان)، دانش مخاطرات، زمستان، شماره ۲
- حشمتی جدید، مهدی و بشارتی، محمدرضا و زارعی، غلامرضا (۱۳۹۳)، ملاحظات امنیتی آمایش سرزمین در کشور (مطالعه موردی: جنوب شرق کشور)، مدیریت و پژوهش های دفاعی، بهار و تابستان، شماره ۷۵
- خنیفر، حسین، (۱۳۸۹)، درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربرد آن در ایران، آمایش سرزمین، بهار و تابستان، شماره ۲
- داودی، علی اصغر (۱۳۸۱)، انقلاب اسلامی، کشمکش های سیاسی و شکاف اجتماعی، علوم سیاسی، شماره ۲۰
- زیاری، کرامت الله و عشق آبادی، فرشید و فتحی، حمید (۱۳۸۹)، چالش های ژئوپلیتیکی توسعه نامتوازن نواحی ایران در مقطع زمانی ۸۵-۷۵، فصل نامه ژئوپلیتیک، شماره ۱۷
- سرور، رحیم، (۱۳۸۴)، جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین، تهران، انتشارات سمت
- سلطانی، ناصر، (۱۳۹۲)، ارزیابی موانع فراروی طرح های آمایش سرزمین در ایران با رویکرد تلفیقی، برنامه ریزی و آمایش فضا، شماره ۳، پاییز
- شریف زادگان، محمدحسین؛ رضوی دهکردی، سید امیر، (۱۳۸۹)، ارزیابی فرآیند برنامه ریزی آمایش سرزمین در ایران و راهکار بهبود آن، علوم محیطی، شماره ۴، تابستان
- شیرزادی، رضا، (۱۳۸۹)، برنامه های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی، فصل نامه تخصصی علوم سیاسی، تابستان
- صالحی، اسماعیل؛ پوراصغر سنگاچین، فرزاد؛ (۱۳۸۸)، تحلیلی بر موانع فراروی آمایش سرزمین در ایران، راهبرد، شماره ۵۲، پاییز
- صنیعی، احسان، (۱۳۹۰)، آمایش سرزمین راهی به سوی تعادل شهری و توسعه یافتگی، مجله اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰، آذر و دی ماه
- قاضی، ثریا؛ طاهری، مرضیه، (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی برنامه های آمایشی کره جنوبی و ایران، مطالعات جامعه شناختی ایران، شماره ۱۲، بهار
- قدیری معصوم، مجتبی؛ نجفی کانی، علی اکبر؛ (۱۳۸۲)، برنامه های توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تاثیر آنها بر نواحی روستایی، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۲۴، بهار
- کاظمی، منصوره، (۱۳۸۶)، مروری اجمالی بر سیر تحولات آمایش سرزمین در ایران، مجله اقتصادی، خرداد و تیر، شماره ۶۷-۶۸

- کاویانی، مراد (۱۳۸۵)، نسبت عدالت جغرافیایی و امنیت ملی، مطالعات راهبردی، شماره ۳۲
- لطیفی، غلامرضا، (۱۳۹۱)، مروری بر ضرورت. اهداف برنامه آمایش سرزمین در ایران و فرانسه، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، بهار
- لطیفی، غلامرضا، (۱۳۸۸)، سیر تحول برنامه های آمایشی سرزمین در برنامه های قبل و بعد از انقلاب، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱، زمستان
- مخدوم فرخنده، مجید، (۱۳۸۰)، شالوده آمایش سرزمین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،
- محمودی، سید محمد، (۱۳۸۸)، تحلیلی بر سیر تحولات کلان آمایش سرزمین فرانسه در نیم قرن گذشته و ارائه پیشنهاداتی جهت بهبود وضعیت آمایش سرزمین ایران، آمایش سرزمین، شماره ۱، پاییز و زمستان
- مومنی، مصطفی (۱۳۸۲)، اشاره به خصلت های میان دانشی آمایش سرزمین و جایگاه آن در جغرافیا، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۶۴
- مهری، عباس (۱۳۸۱)، بررسی مفهوم امنیت ملی و تاثیر آن در توسعه پایدار، مطالعات دفاعی استراتژیک، زمستان، شماره ۱۵
- ناصری پور، حجت الله و شاه محمدی، محمد (۱۳۹۳)، مطالعات دفاعی استراتژیک، بهار، شماره ۵۵
- یزدان پناه، کیومرث (۱۳۹۵)، جزوه درس مدیریت آمایش در برنامه ریزی گردشگری، منتشر نشده
- Serg Bourget، Pascal Baud، Bras، catherin، (۱۳۸۰)، آمایش سرزمین، ترجمه یدالله فرید، فضای جغرافیایی، شماره ۲، تابستان

Abstract

In the present age is one way of organizing space Optimal Management of geography defining a land use plan in accordance with environmental components. This means that each geographical space in terms of human and natural characteristics examined, strengths, weaknesses, opportunities and threats identify and reach full knowledge of the environment, Then to develop a land use plan inherit proper management and space optimization to achieve. It is only then that the full potential and power of the environment in order to achieve development and subsequent security've taken full advantage. Therefore, due to the significant role that land use in the development of the country, one of the most important management mechanisms in the durability and stability of the country is created. Given the importance of land use planning in Iran, because prolonged use planning, yet it should be in a position, not. Thus, the present article from the geopolitical to the preparation of development as well as its function in paper records have been studied in Iran.

keywords: Land use planning, governance, durability, optimal management, land use planning in Iran